

درباره نامزد شدن شوراییان، مسکوت است. در واقع، در حالی که، شهردار نمی تواند عضو شورا باشد، استفساریه ها منعی برای نامزدی اعضای شورا برای شهردار شدن مشخص نکرده اند.

شهردار - رییس جمهور

با رییس جمهور شدن دکتر احمدی نژاد، الگوی شهردار- رییس جمهور در ایران شکل گرفته است. عده ای معتقدند نامزدان احراز پست شهرداری، سکوی پرتاب می خواهند تا از شهرداری تهران به کاخ ریاست جمهوری بروند. بنابراین، شهرداران تهران از عمری کوتاه تر از چهار سال برخوردارند و شهرداری محل ارتقا است، نه محل خدمت! در عین حال، نمی توان انتظار برنامه های بلند مدت و فعالیت های زیرساختی داشت، زیرا در این شرایط، فعالیت های شهردار جنبه تبلیغاتی به خود گرفته و تنها چشم پرکن می شود. لذا باید شهرداری را برگزید که در شهرداری بماند و حداقل برای چهار سال سودای ریاست جمهوری نداشته باشد. اما این استدلال صورت دیگری هم دارد. به فرض که یک نفر شورایی، شهردار شود آیا او هم سودای ریاست جمهوری نخواهد داشت؟

در حال، شهر تهران با مشکلات ساختاری متعددی دست به گریبان است. آلودگی هوا، ترافیک، گرانی مسکن، ضعف حمل و نقل عمومی، خفتن بر روی گسل های بزرگ زلزله و بافت های فرسوده جمعی از مشکلات تهران امروز را تشکیل می دهند. اما چرا با وجود چنین مشکلاتی، پست شهرداری پایتخت، مورد توجه است؟ ■

رقیبش را مشخص خواهد کرد. اما ناگهان خادم هم وارد عرصه رقابت شد تا این سؤال که چرا شوراییان نامزد تصدی پست شهردار شده اند، جدی تر مطرح گردد.

دست های متنوع

شورای شهر سوم تهران، ترکیب یکدستی ندارد. این شورا از چهار نفر اصلاح طلب شامل محمدعلی نجفی، معصومه ابتکار، احمد مسجدجامعی و هادی ساعی تشکیل شده است. سه نفر از اعضای شورا هم به اردوگاه رییس جمهور تعلق دارند که شامل پروین احمدی نژاد، خسرو دانشجو و حمزه شکیبی می باشند، هر چند نفر آخر در انتخابات شوراها در فهرست مورد حمایت قالیباف هم حضور داشت. برخی از اعضای شورا خود را وامدار گروهی نمی دانند. عباس شیبانی، مهدی چمران، رسول خادم، حبیب کاشانی و حسن بیادی این گروه را تشکیل می دهند. دو نفر هم از نیروهای حامی قالیباف عنوان شده اند که مرتضی طلایی و معصومه آباد هستند. علیرضا دبیر نیز از یک سو به قالیباف و از سوی دیگر به اصلاح طلبان گرایش دارد.

بی تردید، ترکیب فعلی شورا که به خاستگاه های مختلف سیاسی تعلق دارند، مذاکره و فشار از بیرون را با چالش مواجه می کند. اکثریت مطلق در دست گروهی مشخص نیست تا بازی را در صورت اختلاف، به تنهایی پیش ببرد. در این شرایط، بروز نظرات غیرقابل پیش بینی نیز دور از ذهن نبوده و ورود نامزدهایی که اعلام رسمی نداشتند، بعید نخواهد بود. جالب است که قانون

ایران، نفت، دلار و یورو

آیا نگهداری دارایی ها و سرمایه های ارزی به دلار، مشکلاتی را در روند اقتصادی کشورهای صادرکننده نفت از جمله ایران، در پی خواهد داشت؟



داشته است. بدین ترتیب، می توان گفت واحد پولی که صادرکننده نفت ترجیح می دهد دارایی خود را بر اساس آن ذخیره و پس انداز کند، بیش از واحد پولی که جریان مبادلات نفتی بر اساس آن قیمت گذاری می شوند، حایز اهمیت است.

اما چرا همچنان تصور می شود قیمت گذاری نفت به دلار،

می تواند اهمیت و سودآوری بیشتری داشته باشد؟ به تحلیل یک اندیشگاه بین المللی، علت این است که اغلب کشورهای صادرکننده نفت، از لحاظ ساختار اقتصادی وابسته به دلار هستند. به همین دلیل، آنها نمی خواهند ارزش دلار در سطح جهان کاهش پیدا کند، چراکه در این صورت و به علت همان وابستگی، ارزش پول این کشورها نیز سقوط خواهد کرد، به طوری که با بازگشت قیمت جهانی نفت به کمی بیش از ۶۰ دلار در هر بشکه، ارزش دلار ۱۳۴ درصد کاهش یافته و زمینه بروز تورم در اکثر کشورهای صادرکننده نفت فراهم خواهد شد. در همین راستا، بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله کویت و امارات متحد عربی دریافته اند که حفظ ثبات اقتصادی شان در گروی حفظ ارزش دلار و جلوگیری از تضعیف آن در سطح دنیا می باشد. در غیر این صورت، بسیاری از صادرکنندگان نفت جهان به ویژه آن دسته از کشورهایی که تأثیر قابل توجهی در بازارهای جهانی دارند، بدون تغییر در روند واحد پولی و بازارهای داخلی خود، با شرایط دشواری برای صرف درآمدهای دلاری کسب شده در مبادلات نفتی مواجه خواهند شد.

به همین دلیل، برخی از کشورهای صادرکننده نفت که درآمد فروش نفت خود را به دلار دریافت می کنند، ترجیح می دهند دارایی ها و سرمایه های ارزی پس انداز شده خود را به دلار نگهداری کنند، چراکه تبدیل دلار به دیگر ارزهای رایج، سبب تضعیف ارزش دلار و در نهایت، دارایی های آنها می شود. از سوی دیگر، در مدیریت ذخایر ارزی، بازارهای آتی و سلف ارز را نباید از یاد برد. امروزه با استفاده از این ابزارها می توان ریسک نوسانات ارزی را عملاً به صفر رساند. ■

این موضوع که بسیاری از کشورها، هزینه واردات نفت خود را به دلار می پردازند، مستلزم این نیست که واردکنندگان و صادرکنندگان نفت، حتماً باید تمام ذخایر و پس انداز ارزی خود را به دلار نگهداری کنند. البته بسیاری از واردکنندگان نفت در سطح جهان، ترجیح می دهند برای انجام معاملات تجاری خود از جمله خرید نفت، همواره اندکی از ذخایر خود را به دلار در اختیار داشته باشند. اما حقیقت نیز این نیست که ذخایر کلان دلاری بانک های مرکزی جهان، صرفاً به منظور خرید و فروش نفت، پس انداز و ذخیره شده اند.

فرض کنید یک کشور واردکننده نفت بخواهد در سال ۲۰۰۲ بودجه ای را برای واردات نفت خود در سال ۲۰۰۷ کنار بگذارد. سؤال این است که آیا این کشور باید همه بودجه اختصاص یافته را به دلار پس انداز کند، یا می تواند بخشی یا تمام آن را به یورو ذخیره نماید؟ پاسخ این سؤال کاملاً روشن است: در حال حاضر قدرت خرید نفت یورو نسبت به سال ۲۰۰۲ به مراتب کاهش یافته است، اما در همین مدت، نرخ کاهش قدرت خرید دلار بیشتر از یورو بوده است. در واقع، اگر چه قیمت نفت طی سال های یاد شده هم به دلار و هم به یورو افزایش یافته است، اما افزایش به دلار به مراتب بیشتر از افزایش به یورو بوده است. بنابراین برای کشور واردکننده نفت، مناسب تر است که بودجه اختصاص یافته را به یورو ذخیره کند تا به دلار. سپس این کشور در زمان پرداخت صورت حساب نفتی خود، می تواند با تبدیل یورو به دلار، هزینه ها را به دلار پرداخت کند.

سؤال دیگر این است که آیا کشور صادرکننده نفت که صورت حساب خود را به دلار دریافت می کند، می بایست درآمد کسب شده را نیز به دلار پس انداز و ذخیره کند؟ پاسخ آن که الزاماً این گونه نیست، زیرا ممکن است کشور صادرکننده نفت از جمله بخواهد دارایی ها و سرمایه اش را بر اساس واحد پولی پس انداز کند که هزینه واردات آتی خود را بر اساس آن می پردازد. همچنین ممکن است کشور صادرکننده نفتی بخواهد دارایی و پس انداز خود را بر اساس واحد پولی که پیش بینی می شود ارزش آن در آینده افزایش می یابد، نگهداری کند. از سال ۲۰۰۲ به این سو در کشورهای صادرکننده نفت، پس انداز دارایی ها برحسب یورو به مراتب، بازده اقتصادی مطلوب تری نسبت به دلار به همراه